اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۰۶)

رشد معنوی (۱۰)

بَقِيَّتُ ٱللَّهِ (بخش ۲)

نماز نهی میکند

خدای رحمان می فرماید که نماز آدمی را از منکرات نهی میکند(إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ). **اما قوم شعیب به شعیب میگویند که ای شعیب آیا نمازت تو را امر میکند که ما هر آنچه خواستیم در اموال خود انجام ندهیم** (أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ).

قَالُوا يَا شُعَيْب أَصَلاتُك تَأْمُرُك أَنْ نَتْرُك مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَل فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّك لَأَنْت الْحَلِيم الرَّشِيدُ (هود: ۸۷)

گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترك کنیم یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی!

این آیه دو دیدگاه متفاوت در مورد نماز است:

۱- **دیدگاهی که نماز را بازدارنده میداند و ما را از فحشاء و منکر باز میدارد.**
۲- **دیدگاهی دیگر که نماز را امر کننده میداند، مانند قوم شعیب.**

اما خدا نماز را به عنوان یک نهی کننده معرفی می کند و نه یک امرکننده. اما مخالفان این نهی را به شکل امر می بینند. اگر چه حتی دیدگاه دومی هم در قسمت نتیجه نهائی، درست است. چون نمازی که انسان را از فحشاء و منکر نهی کند، طبیعتا انسان را به سمت ترک ظلم در اموال و عقاید هم سوق

می‌دهد. اما طرز نگاه به نماز مهم است. این دو طرز دیدگاه، جهان بینی و دنیایی متفاوت از موافقان و مخالفان را نشان میدهد.

مثل قانون راهنمایی و رانندگی که میگوید سبقت غیر مجاز در پیچ ممنوع است. این قانون، یک نوع نهی است. راننده از به خطر انداختن جان خود و دیگران باز داشته شده است و از این خطر نهی شده است. اما خود راننده متخلف ممکن است که آن را به شکل یک امر ببیند که او را در سرعت و رانندگی محدود میکند. اگر چه هر دو درست است ولی طرز نگاه دومی، عدم توجه به فلسفه اصلی قانون است. وقتی قانون می‌گوید : سبقت غیرمجاز ممنوع است، هدف اصلی حفظ جان خود و دیگران است. اما راننده متخلف این را به عنوان یک امر در مقابل اراده خود می بیند که او را در رانندگی محدود میکند. راننده ای که فلسفه قانون را متوجه نمیشود، فکر میکند که این قانون او را امر کرده است؛ حال آنکه این قانون او را از افتادن در خطر جانی، دور میکند.

این دو دیدگاه در مورد کسانی که نماز نمی خوانند هم صدق میکند. مثلا گاهی به بچه ات می گویی نماز بخوان؛ این طرز گفتار یک امر است و نماز را یک نوع تکلیف میداند. در حالی که شما به عنوان والدین، باید نماز را یک نوع ضرورت و محافظت و سپر دفاعی بدانید. این دو نوع دیدگاه خیلی متفاوت

است. بعضی از مسلمانان سنتی، مثل مخالفان شعیب به نماز نگاه میکنند و آن را یک نوع تکلیف میدانند که این دیدگاه گرچه با اصل نماز منافاتی ندارد ولی اصل معنویت نماز را مشخص نمی کند. پس دو دیدگاه در مورد دستورات خدای رحمان وجود دارد:

۱- دیدگاه محافظتی و بازدارنده از خطر
۲- دیدگاه تکلیفی و امر کننده

اینکه خیلی از مردم نماز نمی خوانند، به این خاطر است که این دو مفهوم برای آنها روشن نشده است. آنها از دیدگاه دوم نماز را به عنوان یک تکلیف دینی می بینند و این دیدگاه دقیقا مثل بینش مخالفان شعیب است. قوم شعیب نمی‌فهمیدند که نماز آنها را از ظلم و سقوط اخلاقی نجات می‌دهد و این معنویت و فلسفه قانون است، آنها فقط می‌دیدند که نماز آنها را امر میکند و ظاهری بدون معنویت از نماز را می دیدند. اینها ثابت میکند که چگونه عدم درک معنویت می‌تواند یک نعمت و ابزار اصولی و ضروری را در ظاهر به یک تکلیف و محدودیت خسته کننده تبدیل کند. وقتی آدمی معنویت پشت نهی از گناهان را نداند، خودبخود به آن گرایش پیدا میکند و حتی ممکن است که

لذت گناه را بیش از لذت حلال آن بداند. بعضی از افراد به ظاهر مذهبی، از آنجا که نمی دانند چرا خدا اعمال زناشویی را محدود کرده است؛ به فکر برداشته شدن این محدودیتها در بهشت هستند. به این طریق آنها درک واقعی از اوامر و منهیات ندارند و در نتیجه آنها همچنان دلشان پیش آن روشهای غلط است و امیدوارند که این محدودیتهای دنیایی در بهشت برداشته شود. آنها نمی دانند که چیزی که در این دنیا حرام است، در بهشت هم حرام است و این یک محدودیت معنوی است و هیچوقت برداشته نخواهد شد. حتی آنها به کسانی که به این روشهای غلط تن میدهند، با حسرت نگاه میکنند؛ در حالی که باید با افسوس نگاه میکردند.

وقتی نماز فقط از دریچه لغات و کلمات تکلیف و واجب و حرام و مباح و مستحب، دیده شود و بُعد معنویت و بازدارندگی در آن نادیده گرفته شود؛ نتیجه این میشود که افراد آن را انجام نمیدهند زیرا فکر میکنند که این امر و تکلیف است. آنها نماز را یک نیاز ضروری نمیدانند و بلکه آن را یک تکلیف شاقّ می بینند.

زمانی که در جوامع اسلامی، دیدگاه تکلیف محور، جای دیدگاه معنویت محور را گرفت، دیگر معانی و مفاهیم از بین رفتند و نماز صرفا برای ثواب بجا آورده شد و در این حالت خاصیت نهی کنندگی خود را از دست میدهد و فقط

یک تکلیف است. گاهی می‌بینیم کسی که به نماز اول وقت هم اهمیت میدهد، اما در معاملات خود دروغ هم می‌گوید. این نشان میدهد که نماز او فقط یک تکلیف است و نهی کننده نیست. این سبک و دیدگاه همان دیدگاه قوم شعیب است. او نماز را برای ثواب میخواند و نه بخاطر درک یک معنویت. نماز یک سبک زندگی است و نه صرفا یک تکلیف.

متاسفانه در فقه اسلامی رایج، هر مساله ای را به ثواب ربط میدهند و مثلا میگویند که اینقدر نماز بخوانید، این ثوابها را می گیرید و این دیدگاه، شبیه دیدگاه قوم شعیب است. در این حالت نماز، صرفا یک دستورالعمل خشک است که باید اجرا شود تا ثوابش را ببرید. وقتی این نگاه تکلیفی و بدون معنویت در جامعه رواج یابد، جامعه ظاهری پیدا می‌کند که شاید آمار کسانی که نماز میخوانند، در آن بالا باشد، اما آمار فساد، دروغ و خیانت در آن زیاد است. زیرا نماز دیگر آن نقش بازدارندگی و محافظتی را ندارد، بلکه فقط یک سری تکالیف و واجبات است که برای کسب ثواب انجام می‌شود. به این طریق در ظاهر نماز انجام میشود ولی افراد آن نتیجه لازم از نماز را نمی گیرند و بعد از مدتی به این نتیجه می رسند که نماز آنقدرها هم مهم نیست که میگویند و بنابراین نماز را ترک میکنند. و گرنه کسی که اهمیت بازدارندگی نماز را بفهمد، غیر ممکن است که آن را ترک کند. کسی که بداند رفتن بچه

به پشت بام خطرناک است، همیشه او را از رفتن به پشت بام نهی میکند و واقعا هم آن را اجرا میکند، زیرا عمق خطر را متوجه شده است.

ما باید نماز را به یک معنا تبدیل کنیم. نماز وقتی معنا دارد که تغییر ایجاد کند. اگر نمازی نتوانست انسان را از منکرات نهی کند و حالت بازدارندگی نداشت، عملا به یک امر و تکلیف بی‌اثر تبدیل شده است، حتی اگر به بهترین شکل و با تمام واجبات خوانده شود. بنابراین صرف انجام تکالیف دینی کار ما را درست نمی کند، بلکه چگونگی نگاه به آن و دیدگاه نسبت به آن هم خیلی مهم است.

این ثابت میکند که صرف انجام یک کار، ارزش مطلق ندارد، بلکه کیفیت و طرز نگاه است که آن را به ثمر میرساند. کسی که فقط به فکر تکلیف و ثواب و مستحب و مباح است، شبیه یک ربات است که منتظر است تا به او امر کنند و هیچ هدف و مقصدی ندارد. اما کسی که دیدگاه معنوی نسبت به دستورات خدا دارد، شبیه کسی است که کار را انجام می‌دهد، نه فقط برای امر، بلکه برای اینکه از خطری جلوگیری کند و خود را نجات دهد.

نفس انسان اماره و امر کننده است. برای مقابله با این خاصیت، باید دیدگاهمان را نسبت به نماز، از امر و تکلیف و واجب و مستحب تغییر دهیم و آن را یک معنویت بازدارنده بدانیم. زیرا در مقابل امر کنندگی نفس ، فقط

نماز بازدارنده میتواند کارساز باشد. با امر نمیتوان یک امر را کنترل کرد؛ بلکه با نهی میتوان یک امر را کنترل کرد. نفس اماره با امر کنترل نمیشود، بلکه با نهی کنترل میشود. نفس اماره خودش امر کننده است و نمیتوان با روش خودش، با خودش برخورد کرد. کسی که خشمگین است، را نمیتوان با خشم کنترل کرد بلکه باید او را به آرامش دعوت کرد. بنابراین، نهی کردن به نفس اماره، یک مخالفت است، نه یک همراهی. خود ما به خودمان میگوئیم نه. این طرز بینش قدرتش چندین برابر امر کردن است. نفس اماره خودش امر میکند و نیاز به روشی متفاوت دارد برای دست کشیدن از این همه امر کردنها.

وقتی در نماز، سوره فاتحه را می خوانیم و میگوئیم الحمدلله یعنی ستایش فقط برای خداست. همین عبارت در معنای واقعی خودش ما را از ستایش کسانی غیر از خدا نهی میکند. وقتی می گوئیم الرحمن الرحیم یعنی فقط خدا میتواند به ما رحم کند و دل در کسانی دیگر نبندیم. یا وقتی می گوئیم مالک یوم الدین، یعنی فقط خدا صاحب و مالک روز دین است. پس طبق دین او عمل کنیم (دین = سبک زندگی) تا مورد قبول واقع شود و همین ما را از روشها و سبکهای دیگر نهی میکند. یا وقتی میگوئیم ایاک نعبد وایاک نستعین، یعنی فقط او را عبادت کنیم و فقط از او کمک بخواهیم. همه اینها ما را از روشهای دیگر نهی میکنند. حتی وقتی میگوئیم الله اکبر، یعنی خدا از بقیه بزرگتر است

و همین خودش دیگران را از بزرگی در کنار خدا نفی و نهی میکند. همانطور که می بینیم، خود کلمات نماز، نهی و نفی را در نهاد خود دارند. و هر کلمه و جمله ای از نماز، ما را از موارد امر کننده خارج از نماز، نهی میکنند و ما را از افتادن در چاله ها و خطرات باز می دارند. در واقع نماز سپر دفاعی و بازدارنده در مقابل امر کننده های دیگر است. به همین خاطر است که خدا در مورد نماز می فرماید نماز نهی میکند و نه امر. نماز سبک ایستادن در مقابل امرکننده های دیگر غیر از خداست.

	خاصیت نهی کنندگی آیه
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	**هر چیزی را با نام او شروع کنیم و از شروع کردن با نام دیگران دوری کنیم**
الْحَمْدُ للّه رَبِّ الْعَالَمِينَ	**ستایش برای فقط خداست و دیگران را ستایش نکنیم**
الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ	**فقط خدا میتواند به ما رحم کند و دل در کسانی دیگر نبندیم**
مَالِک يَوْمِ الدِّينِ	**طبق دین و سبک زندگی مالک آن روز عمل کنیم و از سبکهای دیگر دوری و پرهیز کنیم**
إِيَّاکَ نَعْبُدُ وإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ	**فقط خدا را عبادت کنیم و فقط از او کمک بخواهیم. پس عبادت و کمک خواستن از غیر او ممنوع است.**
اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِيمَ	**ما را (از راههای کج و معوج) به راه راست هدایت کن**

صِرَاطَ الَّذِينَ أنعَمتَ عَلَيهِمْ غَيرِ المَغضُوبِ عَلَيهِمْ وَلاَ الضَّالِّينَ	**راه نعمت داده شدگان و نه راه گمراهان و غضب شدگان**

همانطور که می بینید، کلماتی که در نماز می گوئیم، همگی دال بر یک نهی هستند که میخواهند ما را به یک حالت بازدارندگی قوی و ایمن برسانند. کسی که با این دید نماز بخواند، مشکلی در نماز نخواهد داشت و از نماز خسته نمیشود، زیرا نماز او هدفمند است و خاصیت بازدارندگی دارد. خدای رحمان چیزی میداند که ما نمی دانیم. آن قادر متعال برای نماز خاصیت بازدارندگی را مهم میدانند و روی آن تاکید دارند.

اتْل مَا أُوحِي إِلَيْك مِن الْكِتَاب وَ أَقِم الصَّلاَة إِن الصَّلاَة تَنْهَي عَن الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ الله أَكْبَرُ وَالله يَعْلَم مَا تَصْنَعُون (عنکبوت: ۴۵)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگتر است و خداوند می‌داند شما چه کارهايي انجام می‌دهيد! (۴۵)

ما نباید نماز را فقط به عنوان یک فریضه یا وظیفه خارجی ببینیم، بلکه باید آن را به عنوان یک مکانیسم دفاعی معنوی درک کنیم. در این دنیای بی بنیاد، وضع جوری شده است که نهی از امر مهمتر است. همیشه دفاع از حمله مهمتر است. کشورهایی که دفاع خود را قوی میکنند، موفق ترند تا کشورهایی که حمله خود را قوی میکنند. بیشتر کسانی که در طول تاریخ جنگ را باختند، روی حالت دفاعی و بازدارندگی خود کار نکرده بودند و فقط روی حمله و یورش کار کرده بودند.

بیشتر چیزهایی که خدا آفریده است، حلال است و فقط یک سری چیزها نهی شده است. بنابراین برای درک منهیات، یک معنویت لازم و ضروری است. ما در بیشتر اوقات در طول روز، آزادیم و نماز فقط چند دقیقه بیشتر وقت نمی گیرد. پس فلسفه مهمی پشت آن است. فلسفه درک منهیات مهمتر از فلسفه درک دیگر چیزهاست. اگر فرض کنیم ، هر نماز سه دقیقه وقت می برد؛ آن وقت به نسبت شبانه روز میشود یک ۴۸۰ اُم. یعنی ۴۸۰ برابر بیشتر از وقت یک نماز، ما آزادیم. اما چرا این وقت سه دقیقه ای آنقدر مهم است. همین خودش فلسفه عمیقی را می طلبد.

شیطان یک موجود امر کننده است. شیطان فرمان میدهد و سیستم او بر این اساس می چرخد. خاصیت نهی کنندگی نماز برای مقابله با چنین امر کننده حیله گری است.

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَي اللهِ مَا لاَ تَعْلَمُون (بقره: ١٦٩)

او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می‌دهد (و نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید

همانطور که در اول بحث بیان شد، قوم شعیب به شعیب میگویند که ای شعیب آیا نمازت تو را وادار به این حرفها می کند؟ اما شعیب دید عمیقتری نسبت به نماز داشت. دیدگاه قوم او نسبت به نماز بسیار سطحی بود، طوریکه نماز را در قالب فقط یک امر می دیدند. همین دید قوم شعیب نسبت به نماز، ما را به معنا و مفهوم و معنویات پشت پرده نماز راهنمایی میکند. نماز موارد زیر را در ما تقویت میکند:

۱- توانایی "نه" گفتن به تمام پیوستگی ها و مشغولیتها. این نه گفتن همان غلبه بر نفس است. نفس اماره است و امر میکند و فقط "نه" میتواند او را متوقف کند. امر کردن به نفس بی معناست، فقط باید او را نهی کنید.

۲- یادآوری و بررسی هدف اصلی زندگی که در سوره حمد مشخص شده است. یعنی اینکه اهداف زندگی اینهایی است که در سوره حمد مشخص شده است. چیزهای دیگر را به هدف اصلی زندگی تبدیل نکنید. بنابراین این هم یک نوع بازدارندگی است. اهداف اصلی در کلمات نماز مشخص شده اند و دنبال اهداف اضافی و بی خودی نروید.

۳- نماز، احساساتی که در آن افتاده ایم را قطع میکند و مانع انفجار احساسات میشود. احساسات اگر از مقدار معقولش بیشتر شود، ممکن است هر لحظه منفجر شود.

۴- مدیریت انرژی ها و کالری هایی که ما در طول روز دریافت می کنیم و ما را از بکارگیری نادرست این کالری ها و انرژی ها باز می دارد.

۵- نماز وسیله ای برای حفظ "در نظم رحمانی بودن" است. این فقط زمانی میسر است که از روشها و سبکهای غلط دوری کنیم و به آنها نه بگوییم.

۶- نماز نه تنها فروشنده و تهیه کننده و ارائه کننده را از کارهای خطرناک اقتصادی و اجتماعی دور نگه میدارد. بلکه مصرف کننده را از خریدهای

غیر ضروری هم منع میکند. به همین خاطر قوم شعیب، اهمیت نماز را در امور اقتصادی تا حدی در ظاهر متوجه شده بودند.

۷- نماز مثل مدیتیشن نیست. نماز ما را از روشهای غیر رحمانی دور میکند. اما مدیتیشن چنین خاصیتی ندارد و یک موضوع مسخره و بی خاصیت است و در عوض افراد را به روشهای غیررحمانی می کشاند.

۸- مشکلات اقتصادی از پیوستگی روانی مداوم پیش میایند. زیرا مردم در این پیوستگی ها در آمال و آرزوها فرو می روند و از دسترس خارج میشوند. نماز این پیوستگی را قطع میکند. به این طریق نماز خاصیت نهی کنندگی و قطع کنندگی دارد.

۹- انگار از نگاه بیننده و از بُعد تماشاگر، تاثیر نماز قابل دیدن است. به همین خاطر، قوم شعیب به شعیب گفتند که آیا نمازت اینها را به تو امر میکند؟ آنها چیزهایی متوجه شده بودند ولی اصل معنویت را درک نکرده بودند. آنها فقط حرکات نماز شعیب را نمی دیدند و بلکه اثرات سلسله وار و نتیجه آن را هم می دیدند. شاید این اختلاف ظاهری شعیب با قوش بود. به این طریق آنها ضد نماز شدند و نسبت به نماز جبهه گیری کردند. اگر کسی نماز را به عنوان یک امرکننده بفهمد، نسبت به آن جبهه گیری و مخالفت میکند. انسانها نسبت به کسی که به آنها امر کند، حساسند و رگ غیرتشان بیرون میزند. اما اگر نماز را یک نهی کننده

معرفی کنیم، بطوریکه فلسفه و معنویت پشت آن را هم توضیح دهیم؛ آن وقت در مقابل نماز جبهه گیری نخواهد شد. حتی در این دوره و زمانه، حس وحال جامعه طوری شده است که کسی که نماز بخواند، او را فردی ریاکار و امر کننده می بینند. در حالی که فرد، نماز را بخاطر بازدارندگی و محافظت از خود بجا می آورد و به دیگران کاری ندارد.

۱۰-نماز، اوقات روز ما را به پنج نقطه تقسیم میکند که هر کدام از این نقاط، خواص مخصوص خود را دارند و باید در این پنج نقطه طهارت پیدا کنیم. نماز تغذیه های جسمی و روانی را هم منظم میکند و از پیوستگی آنها جلوگیری میکند. این نقاط باعث میشوند که فرد مواظب طهارت خود باشد. نماز تمرکز، دست کشیدن، نه گفتن، ترک کردن، لفت دادن، دل کندن را به ما یاد میدهد. بزرگترین دلیل اعتیاد، عدم توانایی نه گفتن است.

۱۱-نمازگزار دیدگاهش نسبت به مشکلات عوض می‌شود؛ او می‌داند که خدا حامی اوست و وقتی فکر میکند که خودش را به نظام رحمانی سپرده است، خیالش راحت است و خود را در مقابل خطرات بیمه شده میداند.

۱۲- نماز تحرک و قیام را به ما یاد میدهد که هر از چند گاهی باید تحرک داشته باشیم و از بی تحرکی جلوگیری میکند. از آنجا که نماز نهی کننده است؛ این ثابت میکند که جلوگیری از بی تحرکی مهمترین ورزش برای

سلامتی است. کسی که نماز بجا آورد، حتی به ورزشهای آنچنانی هم نیاز ندارد. جلوگیری از بی تحرکی از خود تحرک مهمتر است. این نکته، مفهوم ورزش برای سلامتی را برای ما باز تعریف میکند. بعضی ها روزی دو سه ساعت مشغول ورزش میشوند که از نظر من لازم نیست و وقت تلف کردن است. جلوگیری از بی تحرکی و سستی و تنبلی از خود ورزش کردن خیلی مهمتر است.

۱۳-بنابراین، نماز یک سبک زندگی است که انسان را در تمام طول شبانه‌روز، حتی در زمان‌های غیر نماز، تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را از راه و روشها و سبکهای غلط باز میدارد.

مخالفان شعیب، او را ضعیف می‌دانستند چون سلاح نداشت، ثروتمند نبود و پشتوانه سیاسی هم نداشت؛ اما این نگاه آنها ناشی از جهل نسبت به قدرت واقعی و پشتیبانی غیبی بود.

قَالُوا يَا شُعَيْب مَا نَفْقَه كَثِيراً مِمَّا تَقُول وَ إِنَّا لَنَرَاك فِينَا ضَعِيفَاً وَ لَوْلاَ رَهْطُك لَرَجَمْنَاك وَ مَا أَنْت عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (هود: ۹۱)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما نمی‌فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌یابیم و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می‌کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (۹۱)

ابر قدرت اصلی خداست که کسی را یارای مخالفت با تصمیمات او نیست. بعضی کشورها و کاربدستان، خودشان را ابرقدرت و امر کننده میدانند، اما نزد خدا و در نظام رحمانی هیچی بحساب نمی آیند.